

گرفتاری‌ها

معصومه سادات میرغنی

نکند، برسان که تا می‌تواند طبق دستورالعملی که خواهیم گفت روزه بگیرد: یا هر روز در میان و یا سه روز در ماه. هر روز یا هر دو روز یک بار به شصت فقیر یا همان مقداری که نیتش به آن تعلق یابد، صدقه بدهد. به شدت خود را به نماز شب و روز مشغول کند. همین‌طور استغفار کند و قرآن بخواند و خدا را یاد کند. در قنوت‌ها به گناهانش اقرار کند و از آن‌ها استغفار نماید. برای گناهایی که به خاطر دارد، صدقه بدهد و بنده آزاد کند. نیتش را در اعتقاد به امامت خالص کند و صله رحم کرده و به آن‌ها نیکی نماید. امیدوارم که ارتباط و علاقه او نسبت به ما و رضایت و ستایش ما از او برایش سودمند باشد. به خدا قسم وقتی گرفتاری او را شنیدم، به قدری ناراحت شدم که قابل توصیف نیست. گذشته از همه این‌ها از خدا می‌خواهم که بر طول عمرش بیفزاید و نظر منجم را باطل کند؛ زیرا خداوند او را بر غیب خود آگاه نکرده است. والحمدلله.»

منبع: نامه‌ها و فرمایشان امام عصر (عج) در عصر غیبت، ترجمه محمدتقی اکبرنژاد، مسجد مقدس جمکران.

مرد منجم، از روی قواعد نجومی پی برده بود که عمرش رو به پایان است و چون گناهان بسیار مرتکب شده بود از معقله بن‌اسحاق خواست تا نامه‌ای به امام زمان (عج) بنویسد و از او درخواست کند تا عملی را یادش دهد که به خدا تقرب جوید. ابن‌اسحاق نامه را نوشت و به حضرت داد. امام زمان (عج) در پاسخ نامه نوشت: «... خدا تو را برای من نگه دارد. نامه فلانی را خواندم. به قدری ناراحت شدم که می‌خواهم کمی تو را سرزنش کنم. سبحان‌الله تو از تشیع و ولایت مداری و اطاعت‌پذیری او خبر داشتی و مرا در جریان مشکل او نگذاشتی؟ تا خیلی زودتر از این‌ها به راحتی مشکلت را حل کنیم! یا این‌که او را رها کرده بودی تا خوابی ببینی و یا مصیبتی به او برسد و یا از خودش چیزی را که می‌توانست با آن مشکلت را حل کند، انکار نماید. برخی از مشکلات به آسانی اتفاق می‌افتند و به راحتی قابل برطرف کردن هستند؛ اما این امور در روز قیامت و نزد خدا محاسبه خواهند شد... به شخصی که خداوند ما را به مصیبت او مبتلا

بی‌کویان ز بی نغمه تار آمده ام
دست افشان به سرکوی نگار آمده ام
بهر آن نیم گه با دل زار آمده ام
حاصل عمر اگر نیم تگاهی باشد

ایمده درک

